



**ایران
ورجاوند**

مجله ایران‌شناسی | سال ۲۲ | شماره ۲ | بهار و تابستان ۱۳۹۸ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ سیمین قلعه دارآباد
- ◆ بازسازی سقف اتاق رنگین در باباجان
- ◆ پیکرنگاری میترا در ایران و آسیای میانه
- ◆ منشأ ظروف زرین فام در دوران صدر اسلام
- ◆ جغرافیای تاریخی شاهنامه در دوره ساسانیان
- ◆ بازبینی نیشابور؛ لایه‌نگاری و سفال‌های کهن‌دژ
- ◆ بررسی معماری اسلامی: چالش‌ها و چشم‌اندازها
- ◆ بررسی باستان‌شناختی و معرفی سد روستای قورمیش بوکان
- ◆ جلوه‌های یاریگری در میان مردمان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام: مطالعه موردی طایفه گدمه

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۲ | شماره ۲ | بهار و تابستان ۱۳۹۸ |

شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |

صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |

مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گنجبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گنجبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتر باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری طاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گنجبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گنجبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- ۴ بازسازی سقف اتاق رنگین در باباجان ارابرت کارل هنریکسون، ترجمه نیلوفر رضایی نراقی
- ۱۶ پیکرنگاری میترا در ایران و آسیای میانه افرانتس گرنه، ترجمه اشکان گرشاسبی
- ۲۶ بررسی باستان‌شناختی و معرفی سد روستای قورمیش بوکان اسماعیل سلیمی و منصور محمودنژاد
- ۴۶ جغرافیای تاریخی شاهنامه در دوره ساسانیان مهدی شریفیان، محمد وفایی بصیر
- ۶۵ بررسی معماری اسلامی: چالش‌ها و چشم‌اندازها ارابرت هیلن برنند، ترجمه حسین صبری
- ۸۵ منشأ ظروف زرین‌فام در دوران صدر اسلام اجی فریرمن، فرانک آسارو، هلن و. میشل، ترجمه افشین آریان‌پور
- ۱۰۱ جلوه‌های یاریگری در میان مردمان تیره قلی‌وند ایل خزل ایلام: مطالعه موردی طایفه گدمه اعلی نوراللهی
- ۱۳۵ سیمین قلعه دارآباد امحسن معصوم‌زادگان

پیشخوان

- ۱۴۶ بازبینی نیشابور؛ لایه‌نگاری و سفال‌های کهن‌دژ سعید باقی‌زاده

گزارش

- ۱۵۵ نکوداشت دکتر فیروز باقرزاده
- ۱۶۱ نکوداشت دکتر فخری دانشپور پرور انیلوفر احتشامی
- ۱۶۶ بازگشت ۱۷۸۳ گل‌نوشته هخامنشیان به ایران



بازسازی سقف اتاق رنگین در باباجان*

رابرت کارل هنریکسون

ترجمه نیلوفر رضایی نراقی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه سوربن

چکیده

در کاوش‌های تپه باباجان سال ۱۹۶۶، تعداد زیادی کاشی رنگی کشف شد که قدمت آنها به هزاره اول پیش از میلاد برمی‌گردد. این کاشی‌ها جزو تزئینات سقفی یکی از اتاق‌های بنا بودند که بعد از آتش‌سوزی ساختمان و ریزش سقف به زمین فروریختند. از آنجاکه کاشی‌ها دارای وزن و اندازه زیادی بودند هنگام ریزش سقف دچار آسیب زیادی نشده و به همین دلیل امکان بازسازی آنها فراهم بود. شناخت این اتاق با سقف رنگی‌اش از دو نظر حائز اهمیت است، یکی اینکه به روش ساخت سقف چوبی در هزاره اول پیش از میلاد در ناحیه مرکز غرب ایران پی می‌بریم و دیگر اینکه وجود چنان سقف منقوشی در باستان‌شناسی این دوره بسیار نادر است و چنین یافته‌ای یک کشف استثنایی محسوب می‌شود. رابرت کارل هنریکسون با مطالعه دوباره داده‌های گزارش کاوش گروه باستان‌شناسی انگلیسی سعی کرده طرح سقف را بازسازی کند.

واژه‌های کلیدی: تپه باباجان، اتاق رنگین، کاشی طرح‌دار، بازسازی کاشی‌های سقف

مقدمه

کرده تا جایی که امکان دارد موقعیت حدودی آنها را به صورتی که در گزارش کاوش آمده است رعایت کند. باید اضافه کرد که بعضی از جزئیات این بازسازی نامطمئن است ولی اصل آن مطابق داده‌های باستان‌شناسی است. این نقشه بازسازی شده با توجه به ضروریات ساختاری و ترتیب کاشی‌ها در فضای داخلی اتاق رنگین هنگام جست‌وجوی آنها در کاوش پیشنهاد شده است.

اهمیت شناخت کاشی‌های محوطه باستانی باباجان درآشنایی با نحوه ساخت سقف و به‌خصوص تزئین سقف در ایران در هزاره اول پ.م است. چنین مثالی برای این دوره بسیار نادر است و تحقیق درباره آن می‌تواند به درک بهتر فرهنگ غرب ایران کمک کند. در بازسازی کاشی‌های سقف اتاق رنگین این محوطه، هنریکسون سعی

* این مقاله برگردانی است از:

Henrickson Robert C. "A Reconstruction of the Painted Chamber Ceiling at BaBa Jan" *Iranica Antiqua*, XVIII, :82-96

اگر چنین بازسازی امکان‌پذیر است به خاطر یادداشت‌های دقیق گاف و چاپ مربوط به داده‌ها است که آنالیز کاش‌ها را میسر و امکان تحلیل گسترده‌تری را فراهم کرده است. در این مقاله برای توضیح بهتر موقعیت اتاق رنگین در محوطه باباجان از دو ترجمه استفاده شده است.

محوطه باباجان

تپه باستانی باباجان در حاشیه جنوبی دشت دلفان واقع شده که از قسمت شمال و شمال شرقی آن به رودخانه و جاده نورآباد نهاوند و از جنوب و جنوب غربی به جاده‌های میرباغ و کوه‌دشت محدود می‌شود. علاوه بر موقعیت استراتژیک محوطه، دو چشمه آب و زمین‌های کشاورزی حاصلخیز نیز در اطراف محوطه واقع شده است. کاوش این محوطه در سال ۱۹۶۶ توسط گروه باستان‌شناسی دانشگاه لندن، زیر نظر کِلِر گاف با همکاری هیئت باستان‌شناسی دانمارک انجام شد. این محوطه شامل یک تپه اصلی و چند تپه کوچک است که تپه اصلی آن دارای شکل بیضی و سطحی معادل ۶۰ در ۳۰ متر یا ۱۸۰۰ متر مربع و پایه‌ای معادل ۱۲۰ متر است. قسمت‌های شمال و شمال غربی آن که رو به بادهای فصلی هستند دارای شیب ۱۵ متری است که به سمت یکی از چشمه‌ها می‌رود. ولی قسمت شرقی آن با یک شیب کمی از تپه کوچکی که در کنارش واقع شده جدا می‌شود. از قسمت جنوب از طریق یک راه عریض و مستقیم ۱۵۰ متری به یکی دیگر از تپه‌های کوچک می‌رسد که در آنجا قبرستان محلی واقع شده است. تپه کوچک شمالی دوکی شکل است و دارای پایه‌ای به عرض ۸۵ متر و ارتفاع ۴/۵ متر است. دومین چشمه آب در ۱۳۰ متری جنوب این تپه شمالی قرار دارد. بر تپه اصلی سه سطح متفاوت باستانی (۱، ۲، ۳) از جدیدترین به قدیم‌ترین دوره) شناخته شده که هر سه مربوط

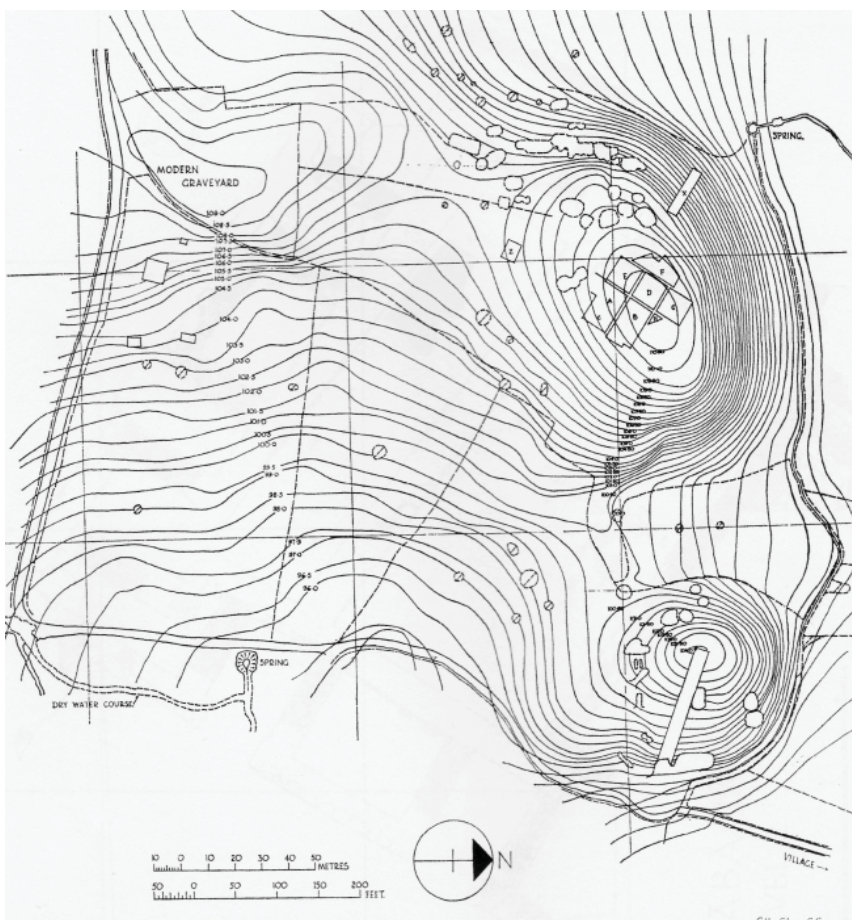
به ربع اول هزاره اول پم است، این دوره با نام «باباجان B» شناخته شده است (تصویر ۱).

باباجان B

سطح ۱: از این سطح فقط پایه‌گذاری سنگی آن باقی مانده است. پایه ساختمان از سه ردیف سنگ بزرگ تشکیل شده که بر آن دیوار خشتی وجود داشته است. ساختمان این دوره ملک اربابی نامگذاری شده که نقشه آن از نقشه سطح زیرینش (سطح ۲) تبعیت می‌کند با این تفاوت که بزرگ‌تر و کامل‌تر است. دیوارهای سطح ۲ برای ساخت این بنا استفاده شده‌اند در نتیجه دیوار قدیم و جدید در هم چفت شده‌اند. نقشه بنا شامل یک حیاط مرکزی با دو اتاق دراز در دو طرف شرق و غرب آن است. ورودی اصلی در شرق واقع شده که دارای یک ردیف ستون بوده و حیاط به یک سالن ستون‌دار تبدیل شده است. در قسمت غرب بنا دو سالن دراز ساخته شده‌اند که در یکی از آنها اثر چهار تکیه‌گاه برای دیوار وجود دارد که به نظر می‌آید برای حضور یک بالکن بوده است ولی هیچ‌گونه نشانی از ستون برای نگهداری چنین بالکنی به دست نیامده است. همچنین اثری از یک در ورودی که این سالن را به یک حیاط وصل کند نیز وجود ندارد. دو سالن دراز واقع در شمال و جنوب بنا به احتمال زیاد به‌عنوان انبار و کارگاه استفاده می‌شده‌اند.

سطح ۲: از ملک اربابی این سطح فقط پی‌ریزی آن به‌جامانده است. این بنا یک نقشه فشرده دارد که اندازه آن ۳۵ در ۳۳ متر است. حیاط آن مستطیل شکل و اندازه آن ۱۸/۶۰ در ۹/۶۰ متر است که با دو سالن دراز از شرق و غرب محدود شده است. این بنا دارای هشت برج است.

سطح ۳: این سطح از خانه‌های کوچک سنگی تشکیل شده که به‌طور عمدی تخریب شده است و پایه‌گذاری آنها برای ساخت سطح ۲ استفاده شده



تصویر ۱. توپوگرافی تپه باباجان با مناطق حفاری (Goff, 1966 :110)

که به ۱-۲-۳ (از جدید به قدیم) تقسیم‌بندی می‌شود.

فاز ۱: بناهای این مرحله با معماری جدید و نوع جدید سفال بوده که بر خرابه‌های باقیمانده از دو بار آتش‌سوزی پیشین تپه ساخته شده است. به‌علت ریزش دیوارهای قلعه و قسمت‌هایی که در اثر آتش‌سوزی متروک مانده بودند، در آخر این محل توسط ساکنانش ترک شده است.

فاز ۲: ساخت‌وساز این مرحله به‌صورت تراس

است. این خانه‌ها با دیواری از توده سنگ احاطه شده بودند (Goff, 1966 :105-112).

باباجان A

با توجه به سفال‌های یافت شده از تپه شرقی این محوطه، فرهنگ دیگری شناسایی شده که مربوط به عصر آهن است و «باباجان A» نامگذاری شده است. بر این تپه، یک اتاق رنگین و یک قلعه کشف شد. از نظر تاریخی دارای سه مرحله (فاز) است

بوده یعنی سقف یک خانه به عنوان حیاط دیگری استفاده می شده است. فاز دو به چهار زیر مجموعه زمانی تقسیم شده است: A-B-C-D.

فاز ۳: اتاق رنگین که اتاق بزرگی با نقشه نامنظم است در این مرحله ساخته شده و مساحتی به اندازه ۱۳۰ متر مربع یا ۱۲/۵۰ در ۱۰/۴۰ متر دارد. این اتاق با زاویه کمی در سمت شرقی قلعه واقع شده است. در داخل اتاق یک کوره دیواری به شکل «A» و یک اجاق تعبیه شده است و در سمت غرب اتاق یک طاقچه به شکل چندضلعی وجود دارد که شبیه طاقچه‌های محوطه نوشیجان است. در وسط اتاق دو پایه ستون با قطری به اندازه ۹۰ سانتی متر موجود است که با فاصله ۵ متر از دیوارها قرار دارند. در قسمت غرب اتاق رنگین به فاصله ۴/۸۰ متر، در ورودی یک اتاق کوچک طاقچه دار با متراژ ۳ در ۳/۳۰ متر قرار دارد، دهانه در به شکل چند گوشه و با یک پله ساخته شده است. به احتمال زیاد اتاق دیگری مانند همین اتاق کوچک در قسمت شرق اتاق رنگین وجود داشته که برای ایجاد تعادل در نقشه کلی بوده و بر اثر استخراج سنگ برای ساخت و ساز جدید از بین رفته است. دیوارهای اتاق رنگین و اتاق کوچک رنگ سفید داشت ولی اثرهایی از رنگ قرمز بر دیوار غربی، کوره دیواری، طاقچه و پایین دیوار جنوبی یافت شده است، با این حال کف اتاق رنگین به رنگ سفید باقی مانده است. در قسمت شمالی اتاق رنگین، اتاق دیگری هست که اندود قرمز دارد و دارای یک آشپزخانه است، دهانه ورودی اتاق بدون در، چوبی بوده است. ورودی اصلی اتاق رنگین در قسمت غربی دیوار جنوبی واقع شده و به طور تقریبی روبه روی کوره دیواری است. سامانه روشنایی اتاق به طور واضح مشخص نیست ولی به علت حضور کاشی‌های رنگی سقف حتماً نور کافی برای مشاهده آنها لازم بوده است. فاز ۳ تپه باباجان A در اواخر قرن

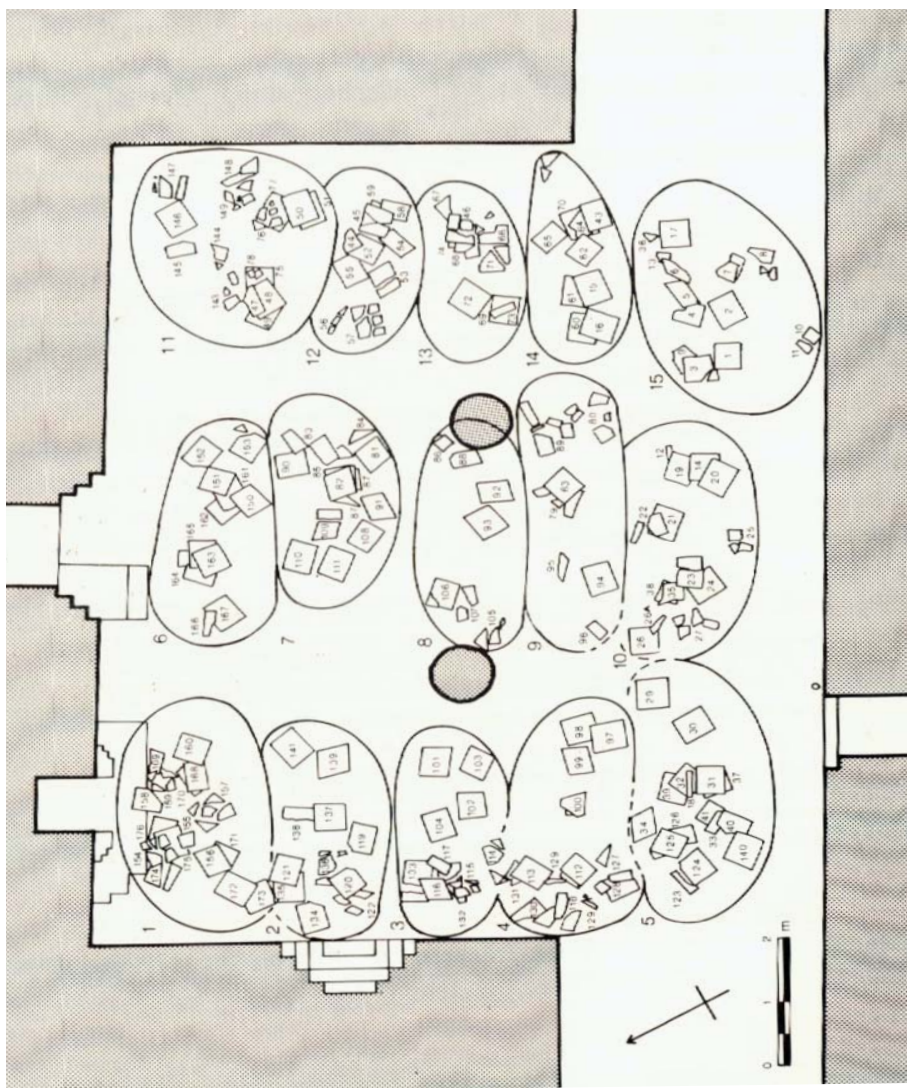
هشتم و اوایل قرن هفتم پم به آتش کشیده شده زیرا یک لایه ضخیم از خاکستر بر تمام سطح کف بنا و حیاط آن موجود است (Goff, 1966).

کاشی‌های سقف اتاق رنگین

در خرابه‌های ریخته شده روی کف اتاق رنگین، تعداد ۱۷۶ قطعه کاشی به رنگ خشت هنگام کاوش پیدا شده است که باید از تزئینات سقف اتاق باشند. با جزئیاتی که گاف در گزارش کاوش ذکر کرده بازسازی سقف امکان‌پذیر شده است. کاشی‌های سقف به صورت سه ردیف موازی در عرض اتاق در جهت شمال به جنوب به زمین افتاده است.

طرح تیرهای اصلی و تیرچه‌های سقف می‌تواند نحوه چیدمان احتمالی کاشی‌ها را در سقف مشخص کند. اندازه و وزن کاشی‌ها باعث می‌شود که پیش‌بینی نقطه اتکاء کافی برای ثابت ماندن در سقف دارای اهمیت شود. گاف دو طرح احتمالی ارائه می‌دهد:

اول: دو تیر اصلی که به صورت شمالی-جنوبی با تیرچه‌های شرقی-غربی قرار گرفته است و هر یک از تیرها در نقطه مرکزی خود توسط یک ستون با قطر ۹۰ سانتی متر نگهداری می‌شود. دوم: فقط یک تیر اصلی که به صورت شرقی-غربی قرار گرفته و توسط دو ستون و دیوارهای سنگین شرقی و غربی اتاق رنگین نگهداری می‌شود و تیرچه‌های سقفی در جهت شمالی-جنوبی قرار می‌گیرند. در هر دو طرح حداکثر فضای خالی بین تیرچه‌ها کمتر از ۵/۵۰ متر بوده و معمولاً این اندازه بین ۴/۵۰ تا ۵ متر است که در فضای قلعه رایج است. از میان دو احتمال، شواهد و مدارک برتری طرح اول را ثابت می‌کنند. یک قطعه از تیر سقف با قطری بین ۳۰-۴۰ سانتی متر، که ظاهراً به صورت شمالی-جنوبی قرار داشته، درست در بالای سطح کف در قسمت



تصویر ۲. نقشه گروه‌های کاشی فروریخته در کف اتاق رنگین، طبق Goff (Henrickson, 1983 :86)

تیرچه‌های سقفی سبک‌تری باید بین تیرهای اصلی و دیوارهای جانبی قرار می‌گرفتند. به‌منظور تأمین حفاظت کافی برای سقف، تیرچه‌ها می‌بایست به‌طور نسبی به هم نزدیک‌تر باشند. همان‌طور که گاف اشاره کرده به احتمال زیاد کاشی‌ها با خاک رس (گل) به سقف گچی چسبانده شده بودند. گچ به تیرچه‌ها اضافه شده تا از آنها به‌عنوان

شمالی عملیات حفاری یافت شده که کمی مایل به طرف شرق بوده است. آثار دیگری از تیرهای سنگین شمالی-جنوبی سوخته شده در گزارش کاوش یادداشت شده است. در عوض هیچ‌گونه گزارشی از باقی‌مانده تیرچه‌های عریض شرقی-غربی دیده نمی‌شود. در مقایسه با ساخت‌وسازهای جدید،

تخته‌ای برای تکیه‌گاه و نصب کاشی‌ها استفاده شود. پس کاشی‌ها به‌طور مطمئنی زیر تیرچه‌ها نصب می‌شدند که چنین اتکایی برای خود تیرچه‌ها وجود نداشته است. بنابراین اگر کاشی‌ها به‌صورت عمودی سقوط کنند فضای خالی ایجاد شده از فروریختگی در نحوه پراکندگی کاشی‌ها با محل قرارگیری تیر اصلی تطابق دارد. شکلی که کاشی‌های فروریخته ایجاد کرده طرح اولیه سقف را نیز تداعی می‌کند. بررسی تصویر شماره ۲، سه گروه کاشی را نشان می‌دهد که با دو فضای خالی از هم جدا شده است که (این دو فضای خالی) در جهت شمالی-جنوبی به موازات پایه ستون‌ها قرار گرفته است. هیچ‌گونه فضای خالی بدین شکل در جهت شرقی-غربی در ارتباط با پایه ستون‌ها دیده نمی‌شود، در عوض این جهت با ردیف‌هایی از کاشی پوشیده شده است. در نتیجه، این شواهد شکل نقشه اول را تقویت می‌کند. بنابراین، سقف باید دو تیر اصلی داشته باشد تا در جهت شمال-جنوب بر ستون‌ها قرار بگیرند. همچنین باید تیرهای کوتاه در جهت شرق-غرب بین تیرهای اصلی و دیوار اطراف قرار گرفته باشند. تیرهای کوتاه یا دیوار خشتی برای نگهداری تیرچه‌ها در بالای گذرگاهی که به طرف اتاق‌های شرقی و غربی می‌رود لازم بوده است. کاشی‌های موجود بین فضای تیرهای در معرض دید و دیواره‌های جانبی، با گچ به سقف وصل شده بودند. ممکن است نوعی توری چوبی زیر کاشی‌ها اضافه شده بود تا اتکاء بیشتری ایجاد کند، اما هیچ مدرکی در مورد چنین سازه‌ای یافت نشده است.

چیدمان کاشی‌ها

درحالی‌که ساختار سقف طرح اولیه کاشی‌ها را تعیین می‌کند، نحوه سقوط سقف نیز باید قبل از بازسازی جزئیات طرح بررسی شد. ستون‌ها و تیرهای چوبی در معرض حریق بوده است اما

تیرچه‌های سقف به وسیله گچ محافظت شده است. بنابراین حامل‌های اولیه سقف، ستون‌ها و تیرچه‌ها، می‌بایست اول آتش گرفته و سپس فروریخته باشد. سه تکه از سقف که به‌طور تقریبی سالم است با تیرچه‌های نسوخته و مصالح دیگر سقف که به هم وصل بودند می‌بایست بعد از آن به زمین افتاده باشند. تیرچه‌ها عرض هر بخش از سقف را تکمیل می‌کردند، زیرا بدون پشتیبانی تیرها، سقف فقط توسط دیوار نگهداری می‌شده و در طول این تیرها نقطه‌های ضعف به وجود می‌آمده است. بنابراین، تیرچه‌ها به‌طور مستقیم در معرض آتش قرار گرفتند، فقط جاهایی که بر تیرها قرار داشتند می‌بایست سالم مانده باشند، با چنین ضرری نقطه‌های ضعیف ساختاری در وضعیت بدتری قرار گرفته است. در نتیجه، سقف می‌بایست به‌صورت سه تکه بزرگ شکسته شده باشد. وقتی یک تیر اصلی فروریخته، تمام آن قسمت از سقف به حالت تاشده به پایین ریخته و دورتر از مسیر تیرهای مفقود به زمین افتاده است. هنگامی که سقف شروع به ریزش کرده، کاشی‌های شکسته و از سقف جدا شده به همان شکل دورتر از جای اولیه خود به زمین افتاده است. به‌احتمال زیاد تیرهای غربی، اول فرو ریخته است زیرا گروه کاشی‌های غربی در طول دیوار غربی روی زمین ریخته است، حتی گروه کاشی‌های مرکزی بیشتر به سمت تیر شرقی به زمین افتاده است. درهرحال، طرح افتادن کاشی‌ها نشان می‌دهد که آنها به‌صورت عمودی فرو ریخته است و نسبت به محل اصلی خود در سقف کمی مایل به سمتی به زمین افتاده است. فشار بار حاصل از فروریختگی تیر غربی بر تیر شرقی باعث شده که گروه کاشی‌های مرکزی سریع‌تر به زمین بیفتند و به این صورت کمتر از گروه کاشی غربی جابه‌جا شوند. گروه کاشی‌های شرقی به‌احتمال زیاد آخرین گروهی بوده که سقوط کرده است و بعد

از شکست تیر شرقی، تکه‌های کاشی‌های شکسته به طرف دیوار شرقی پرتاب شده است (Hen- rickson, 1983: 83-87).

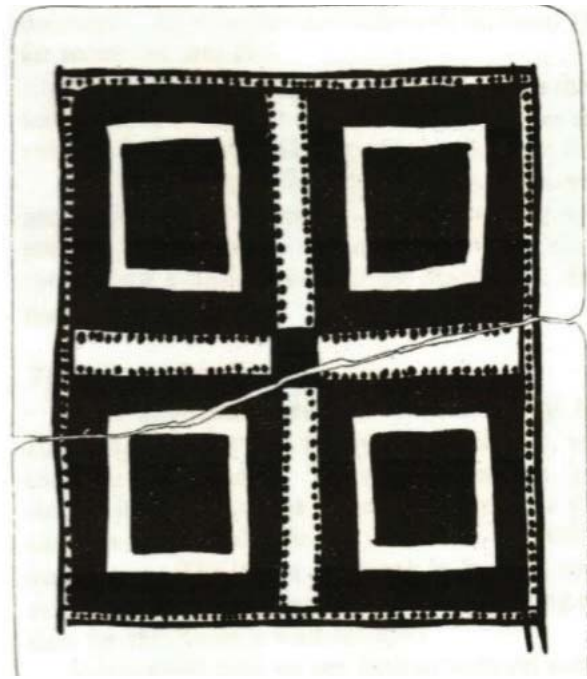
ترتیب کاشی‌ها

طبق نظر گاف، در سه گروه اصلی کاشی هر کدام ۱۳ کاشی در طول و پنج کاشی در عرض دارد. بین هر سه گروه چندین گروه مشخص از کاشی هست که تشکیل بلوک‌هایی از چهار یا پنج کاشی در طول با پنج کاشی در عرض می‌دهد. با این حال، گاف بازسازی کاملی از سقف ارائه نداده است. هنریکسون ۱۵ بلوک با پنج دسته در هر گروه تشخیص داده است. گروه قسمت شرقی، از شماره ۱۱ تا ۱۵ دسته‌بندی شده است که کاملاً قابل تشخیص است. حدود بلوک شماره ۴ در پنج گروه قسمت غربی کمی نامشخص است. در گروه مرکزی، حدود بلوک‌های ۶ و ۷ و ۱۰ دیده می‌شود ولی محدوده بلوک‌های شماره ۸ و ۹ به طور تقریبی مشخص است (تصویر ۲).

اقدام بعدی، ترتیب کاشی‌ها در خود بلوک‌هاست. شمارش کاشی‌های جفت در جهت شمال-جنوب برای بازسازی اهمیت دارد. این جفت‌ها در همه بلوک‌ها به جز بلوک‌های گوشه‌ای شماره ۱-۵-۱۱ و ۱۵ قابل تشخیص است. با در نظر گرفتن این مشاهدات، بازسازی دقیق طرح هر بلوک به صورت انفرادی امکان‌پذیر است. بلوک‌های ۱۲ تا ۱۴ نشانه‌های واضحی ارائه می‌دهد. هر بلوک ۹ یا ۱۰ کاشی دارد که بیشتر آنها به صورت جفت پیدا شده است. بنابراین، هر بلوک باید با دو ردیف پنج تایی از کاشی بازسازی شود. در بلوک‌های ۲ تا ۴، هر چند که بیشتر کاشی‌ها به صورت انباشته نزدیک دیوار غربی اتاق فرو ریخته است ولی در انتهای سمت شرقی هر یک از این بلوک‌ها کاشی‌ها به صورت جفت یافت شده است. با توجه به جفت بودن کاشی‌ها و

تعداد متوسط آنها در هر بلوک که یازده عدد است، می‌توان نتیجه گرفت که بلوک‌ها باید در دو ردیف شش تایی بازسازی شوند. تعداد کاشی‌ها در بلوک‌های ۶ و ۷ که در جهت شرقی-غربی قرار دارند و با حضور چند جفت در آنها، دوباره چیدمان دو ردیف شش تایی را تداعی می‌کند. بلوک‌های ۸ و ۹ نسبت به بقیه دارای کمترین تعداد کاشی است، شاید بلوک ۱۰ با تعداد ۱۵ کاشی دارای چندین کاشی از بلوک ۹ باشد. بلوک‌های ۸ تا ۱۰ به صورت احتمالی براساس بلوک‌های ۱ تا ۷ به دو ردیف شش تایی بازسازی شده است و این کمبود کاشی در مرکز اتاق باعث اشکال است. این اختلال در نقشه اولیه سقف به خصوص در بلوک ۸ را می‌توان به این دلیل توضیح داد.

چهار بلوک در گوشه (۱-۵-۱۱-۱۵)، سه یا چهار عدد کاشی بیشتر از بقیه بلوک‌ها دارند و (ترتیب) جفت در آنها نیست. این بلوک‌های گوشه‌ای و شاید بلوک شماره ۱۰ دست‌کم چهار کاشی بیشتر دارد و می‌بایست بازسازی آنها براساس بقیه بلوک‌ها باشد. کمیابی کاشی جفت در این چهار بلوک به این معناست که ترتیب کاشی‌ها در گوشه‌ها از نقشه دو ردیفی استاندارد بقیه بلوک‌ها پیروی نمی‌کند. ساده‌ترین راه‌حل برای وجود کاشی‌های اضافه این است که ردیف سومی به هر کدام از بلوک‌های گوشه افزود. پراکندگی کاشی‌ها در بلوک‌های گوشه‌ای در مقایسه با بقیه بلوک‌ها به اندازه‌ای نیست که بتوان ثابت کرد که عرض آنها بیشتر از سه ردیف بوده است. به این صورت بلوک‌های گوشه غربی (۱ و ۵) باید دارای هجده کاشی و بلوک‌های گوشه شرقی (۱۱ و ۱۵) دارای پانزده کاشی باشد. در این بازسازی نیاز به تعداد کاشی و طرز پراکندگی آنهاست تا بتوان با موقعیت اولیه کشف در حین کاوش مقایسه کرد. بنابراین به نظر می‌آید که نقشه اصلی سقف شامل سه گروه کاشی باشد که با دو تیر اصلی از هم جدا



تصویر ۳. طرح استاندارد (Goff, 1969: 134)

است. همه آنها دارای حاشیه‌ای به اندازه ۳ تا ۵ سانتی‌متر است و تمام این کاشی‌ها با هر نوع طرحی در سطح ۳ محوطه یافت شده است. در آنها شش طرح تزئینی مهم می‌توان تشخیص داد:

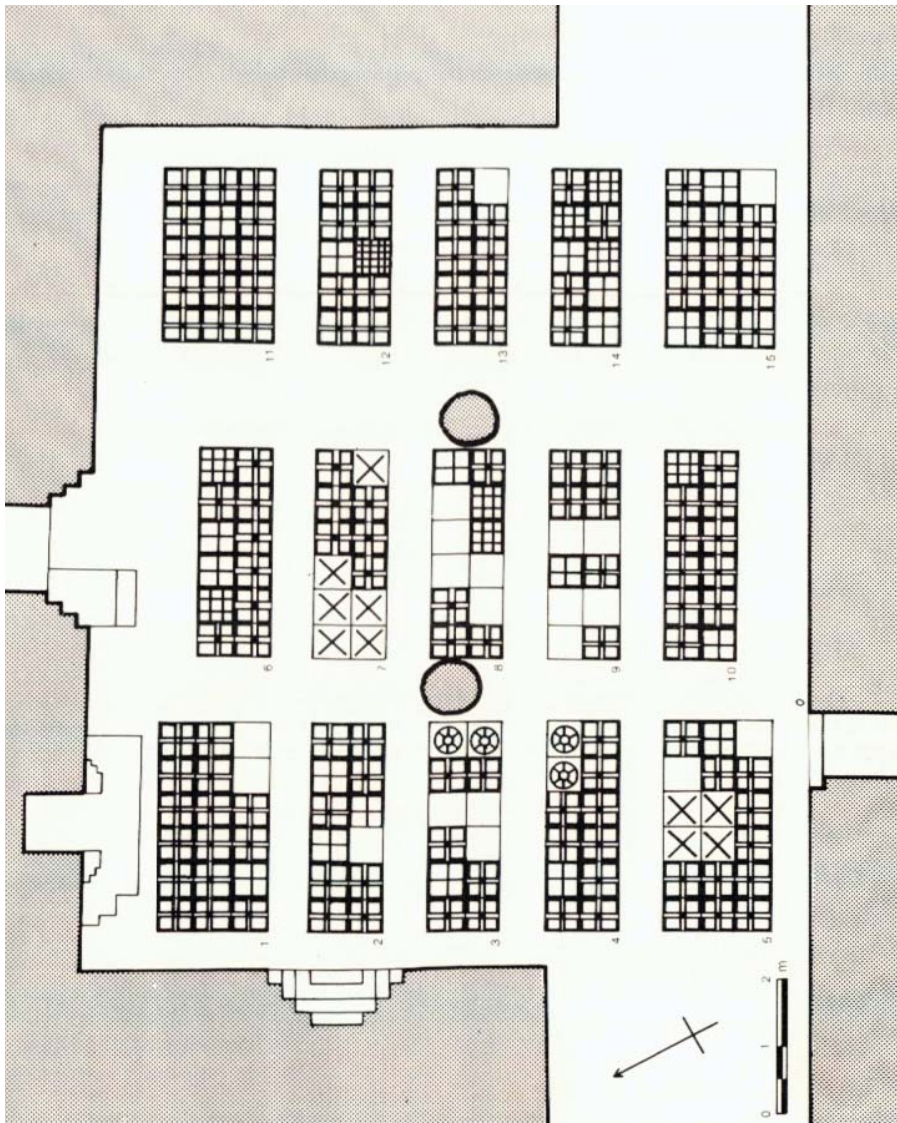
۱. طرح استاندارد: یک صلیب سفید به صورت طرح نگاتیو با یک مربع کوچک قرمز رنگ در مرکز آن، داخل کاشی را به ۴ بخش تقسیم می‌کند. داخل هر ربع یک مربع قرمز رنگ خالی وجود دارد که وسط کاشی را کادربندی می‌کند (تصویر ۳).

۲. طرح معکوس: یک حاشیه ضخیم قرمز رنگ طرح مربع ایجاد کرده که داخل آن توسط یک صلیب قرمز با مربعی سفید در مرکز، کاشی را به ۴ بخش تقسیم کرده است.
۳. طرح نُه مربعی: یک حاشیه ضخیم قرمز رنگ طرح مربع ایجاد کرده که داخل آن به نُه مربع

شده است. هر گروه از پنج بلوک مستطیل شکل تشکیل شده که دارای دو ردیف کاشی در عرض و پنج یا شش عدد کاشی در طول است، به جز بلوک‌های گوشه که هر کدام سه ردیف کاشی در عرض دارند. البته نیازی نیست که همه بلوک‌ها یک مستطیل کامل باشند، ولی این موضوع به این صورت فرض شده زیرا مطابق داده‌های کاوش و از نظر ساختاری درست بوده و دلیل‌های بازسازی را ساده بیان می‌کند (Ibid., 87-90).

کاشی‌ها

قبل از بررسی بازسازی طرح کامل سقف، توصیف طرح خود کاشی‌ها لازم است. جنس کاشی‌ها از گِل پخته است و اندازه آنها $۴۷ \times ۵۱/۵ \times ۶$ سانتی‌متر است. سطح پشت کاشی‌ها خشن و سطح روی آن صاف، کمی محدب و رنگ شده



تصویر ۴. بازسازی کاشی‌های سقف اتاق رنگین (Henrickson, 1983: 92)

- کوچک تقسیم شده و هر مربع می‌تواند با طرح مربع، نقطه و شطرنجی پر شده باشد.
۴. طرح بیست و پنج مربعی: یک حاشیه ضخیم قرمز رنگ طرح مربع ایجاد کرده که داخل آن به بیست و پنج مربع کوچک قرمز رنگ تقسیم شده است.
۵. طرح چرخ: یک دایره کوچک مرکزی توسط چندین خط به یک دایره بزرگ‌تر می‌پیوندد. گاهی دور بیرونی این دایره خارجی با نقطه چین پر شده است.
۶. طرح صلیب سن آندرو: یک حاشیه ضخیم با یک صلیب مایل نقطه‌دار فضای داخلی را به چهار

قسمت مثلثی تقسیم می‌کند. هر مربع می‌تواند تو خالی یا تو پر باشد.

با این تزئینات، بازسازی نقشه اولیه سقف امکان‌پذیر می‌شود، ولی قبل از آن باید یک عامل را مورد بررسی قرار داد: این مورد مسئله نورپردازی اتاق رنگین است تا نور بتواند به اندازه کافی اتاق را برای رؤیت تزئینات سقف روشن کند. تنها منشاء شناخته شده برای نور اتاق، در ورودی است که در سمت جنوب واقع شده و به طرف حیاط باز می‌شود. هیچ‌گونه اثری از پنجره طی کاوش یافت نشده است، با این حال بازسازی‌های گاف چند راه‌حل برای این مسئله پیشنهاد داده است: یکی اینکه همه تزئینات سقف در هر سمت اتاق به‌طور کامل دیده نمی‌شده به این علت که سقف دارای ارتفاع بلندی بین ۴ تا ۵ متر بوده و دیگر حضور دو ستون و تیرها بوده است.

در بازسازی طرح‌های کاشی، فرض ریزش سقف به‌طور عمودی را باید دوباره مدنظر قرار داد. طرح‌های استاندارد و معکوس از نظر بصری به هم خیلی شبیه هستند. از آنجاکه تمام کاشی‌های داخل بلوک‌های شماره ۱-۲-۶-۸ و ۱۵ یکی از این دو طرح هستند نمای این بلوک‌ها با هم فرق چندانی ندارد و این حتی بدون در نظر گرفتن طرز چیدمان آنها در داخل بلوک‌ها است. طرح‌های نه مربعی و بیست و پنج مربعی که نادر است بیشتر قابل تشخیص است. گذشته از سه عدد کاشی نه مربعی در بلوک ۱۴، هرجای دیگر که این طرح پیدا شده به‌صورت پراکنده بوده است. حتی در بلوک ۱۴ که این طرح در انتهای شرقی آن یافت شده، هیچ مدرکی در دست نیست که نشان دهد آنها طرح خاصی را ایجاد می‌کردند. در هر حال، هر دو طرح تأثیر بصری اندکی در بلوک‌هایشان داشتند چون تشابه اساسی با انواع استاندارد و معکوس داشته‌اند. فقط دو طرح چرخشی و صلیب

سن آندرو استثناء است و طرح آنها نسبت به بقیه بهتر دیده می‌شود و قابل تشخیص است. خاصیت این طرح‌ها برای تأکید بصری در بین یک گروه چهار مربعی مثل طرح استاندارد و معکوس بوده است ولی باید گفت که داده‌های باستان‌شناسی چنین نتیجه‌گیری را تأیید نکرده است. چهار عدد کاشی با طرح چرخشی که به‌صورت جفت و جداگانه در بلوک‌های شماره ۳ و ۴ دیده می‌شود، احتمال اینکه در اصل در یک بلوک بوده باشند خیلی کم است مگر اینکه تصور رابطه بین موقعیت اولیه و موقعیت حدودی سقف را به صورتی که در بالا ذکر شد به‌طور کلی رد کنیم. پنج عدد از شش کاشی با طرح صلیب سن آندرو که در بلوک شماره ۷ هستند در انتهای این بلوک یافت شدند. چهار عدد از آنها به‌طور واضح با هم جفت بودند. این بلوک به‌صورت دو ردیف شش تایی از کاشی بازسازی شده است و طرح مورد نظر نباید به‌صورت صلیب راست جاسازی شود، زیرا از نظر بصری بسیار مشکل است که شش کاشی با طرح صلیب راست را به‌طور تکراری در کنار هم قرار داد (جدول الف).

ما باید چنین نتیجه بگیریم که شاید به جز بلوک شماره ۵، به نظر نمی‌آید که دو طرح بسیار متفاوت به‌صورت خاصی در تزئین سقف استفاده شده باشند. حتی اگر این کاشی‌های طرح‌دار با هم تشکیل یک گروه بدهد، هیچ مدرکی در دست نیست تا ثابت کند که استفاده آنها در بلوک‌های انفرادی به‌منظور خاصی بوده است. اگر کاربرد اتفاقی کاشی‌ها با طرح خاص به نظر عجیب می‌آید تنها چیزی که می‌توان تصور کرد این است که کاشی‌های خاص برای استفاده خاص بوده است. طرح‌های نه مربعی و بیست و پنج مربعی طرح‌های معمولی است، اما به نظر می‌آید که کاربرد آنها با سازماندهی بوده است. این موضوع

در مورد کاشی‌ها با طرح برعکس نیز صادق است. خود طرح‌ها هم از خیلی نظرها گاهی ناموازی و غیرمنظم نقاشی شده است. این امکان وجود دارد که حتی خود سازنده ساختمان هم چیدمان اتفاقی کاشی‌ها در داخل بلوک‌ها را به‌عنوان یک مشکل نادیده گرفته باشد. اگر کاشی‌های اتاق رنگین باباجان را با موزاییک‌های محوطه گوردیون در ترکیه مقایسه کنیم، می‌بینیم که چیدمان این

جدول الف. خلاصه تقسیم کاشی‌ها براساس طرح آنها در بلوک‌ها و گروه‌ها (Henrickson, 1983 :89)

شماره بلوک	تعداد استاندارد	تعداد معکوس	تعداد نه مربعی	تعداد بیست و پنج مربعی	تعداد چرخی	تعداد صلیب سن آندرو	کل تعداد درحفری بلوک	کل تعداد فرضی دربلوک	کل تعداد درحفری گروه	کل تعداد فرضی در گروه
۱	۱۵	۱	-	-	-	-	۱۶	۱۸		
۲	۸	۳	-	-	-	-	۱۱	۱۲		
۳	۶	۱	-	-	۲	-	۹	۱۲	۶۵	۷۲
۴	۱۰	۱	-	-	۲	-	۱۳	۱۲		
۵	۱۰	۲	-	-	-	۴	۱۶	۱۸		
۶	۷	۲	۲	-	-	-	۱۱	۱۲		
۷	۶	-	-	-	-	۶	۱۲	۱۲		
۸	۵	۱	۱	-	-	-	۷	۱۲	۵۲	۶۰
۹	۶	۱	-	-	-	-	۷	۱۲		
۱۰	۱۲	۲	۱	-	-	-	۱۵	۱۲		
۱۱	۱۵	۱	-	-	-	-	۱۶	۱۵		
۱۲	۸	۱	-	۱	-	-	۱۰	۱۰		
۱۳	۹	-	-	-	-	-	۹	۱۰	۵۹	۶۰
۱۴	۴	۳	۳	-	-	-	۱۰	۱۰		
۱۵	۱۲	۲	-	-	-	-	۱۴	۱۵		

جدول ب

Numbers of Tiles Excavated and Postulated for Corner Blocks					
Block	Number Excavated	Base Figure for Block in Array	Difference	Block with Extra Row of Tiles	Difference
1	16	12	-4	18	-2
5	16	12	+4	18	-2
11	16	10	+6	15	+1
15	14	10	+4	15	-1

کتابنامه

- Goff, C.L., 1966. Luristān In The First Half Of The First Millennium B.C. A preliminary report on the first season's excavations at Bābā Jān, and associated surveys in the Eastern Pish-i Kuh, Journal Of Persian Studies, p.105-134.
1967. Excavations at Bābā Jān, Second Preliminary Report, Journal Of Persian Studies, p.115-130.
1968. Excavation at Bābā Jān, Third Preliminary Report, Journal Of Persian Studies, p.141-160.
1969. Excavation at Bābā Jān, The Architecture of the East Mound, Levels II and III, Journal Of Persian Studies, p.103-140.
1970. Excavation at Bābā Jān, Third preliminary report, Iran 8, p.141-156.
- Goff, C.L. et al., 1967. Survey of Excavations in Iran during 1965-66, Iran, Vol.5, p. 133-149.
- Henrickson, R.C., 1983. A RECONSTRUCTION OF THE PAINTED CHAMBER CEILING AT BABA JAN, Iranica Antiqua, XVIII, p.81-96.

“Contents”

Article

A Reconstruction of the Painted Chamber Ceiling at BaBa Jan Robert C. Henrickson, Persian translated by Niloofar Rezaei Naraghi	4
Mithra ii. Iconography in Iran and Central Asia Franz Grenet, Persian translated by Ashkan Garshasbi	16
Investigation and Introduction of Dam, Village of Qormesh Bukan Esmail Salimi & Mansour Mahmood Nezhad	26
Historical Geography of Shahnameh in Sassanian Era Mehdi Sharifian & Mohammad Vafaei Basir	46
Studying Islamic Architecture: Challenges and Perspectives Robert Hillenbrand, Persian translated by Hosein Sabri	65
The Provenance of Early Islamic Lustre Wares Jay D. Frierman, Frank Asaro and Helen V. Michel, Persian translated by Afhsin Aryanpour	85
Succor among People of Gholivand Tribe in Ilam, Case Study: Gadmeh Tribe Ali Nourohlahi	101
Simin Ghaleh (Castle) of Darabad Mohsen Masomzadeghan	135

Critique and Book Review

Review of Nishapur Revisited: Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez Saeid Baghizadeh	146
--	-----

Reports

Memorandum of Dr Firouz Bagherzadeh	155
Memorandum of Dr Fakhri Daneshpour Parvar Niloofar Ehteshami	161
The return of 1783 Achaemenid Tablets to Persia	166



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 2, No.2, Spring & Summer 2019 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| Dr Shahin Aryamanesh |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this
publication may be reproduced,
stored in a retrieval system or trans-
mitted in any form or by any means,
electronic, mechanical, photocopy-
ing, recording or otherwise, without
prior permission in writing, form the
publisher.

With Contributions by
| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 2 | No. 2 | Spring & Summer 2019



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Simin Ghaleh (Castle) of Darabad
- ◆ The Provenance of Early Islamic Lustre Wares
- ◆ Mithra, Iconography in Iran and Central Asia
- ◆ Historical Geography of Shahnameh in Sassanian Era
- ◆ Studying Islamic Architecture: Challenges and Perspectives
- ◆ A Reconstruction of the Painted Chamber Ceiling at BaBa Jan
- ◆ Investigation and Introduction of Dam, Village of Qormesh Bukan
- ◆ Review of Nishapur Revisited: Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez
- ◆ Succor among People of Gholivand Tribe in Ilam, Case Study: Gadmeh Tribe